

اختر اسلامبول

در واپسین روزهای سال ۱۲۹۲ ق. روزنامه نامبردار اختر* در پایتخت عثمانی آغاز به انتشار کرد و در نخستین سرمقاله اش نوشت: «با این که زبان پارسی (...) امروز هم جزء عمده زبانهای دولت علیه عثمانی می باشد (...) تاکنون روزنامه ای بدان لسان ترتیب نشده!» محیط طباطبایی نیز هنگام بحث درباره همین روزنامه می گوید: «چنان که می دانیم، زبان فارسی در عثمانی تا زمان محمدخان ثانی زبان دوم دربار عثمانی شمرده می شد و هر ادیب و نویسنده فاضل عثمانی، فارسی را هم در حد زبان ترکی از جهت خواندن و نوشتن می آموخت. بنابراین انتشار روزنامه فارسی بایستی خیلی زودتر از این در اسلامبول صورت گرفته باشد».^۱ گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیدا است که این پژوهشگر، تنها به پایتخت و بخشهای ترک نشین عثمانی توجه داشته و آن روزنامه نگار به سراسر عثمانی که در آن کردها هنوز در مکتبهای سنتی گلستان می آموختند، سلسله های مختلف صوفیه در آناتولی و بالکان فارسی را مقدم بر دیگر زبانها می داشتند و شیعیان پارسی زبان عتبات اقلیتی بزرگ را تشکیل می دادند.

اما انتشار کتاب فارسی در عثمانی، پیش از ایران و دیگر سرزمینهای فارسی زبان بوده است. زیرا چاپ و چاپخانه (— به کوشش اروپاییان و اقلیتهای مسیحی و یهودی) زودتر از آن سامانها به میان ترکان راه یافته و رونقی در خور پیدا کرده بود.

* دوره های ناقص اختر در اکثر کتابخانه های معتبر ایران و بیرون از آن، در کتابخانه دانشگاههای کیریبج، هاروارد، پرینستون و همچنین حقی تاریخ کتبخانه سی (اسلامبول) موجود است.

در اسلامبول، نخستین کتاب فارسی چاپی جهان به سال ۹۵۳ق (۱۵۴۶م) چاپ شد و آن توراتی‌ست به خط راشی.^۲ چاپ کتاب به خط فارسی-عربی از ۱۱۴۱ق (۱۷۲۹م) در عثمانی آغاز شد و از آن پس، شمار چشمگیری کتاب ادبی و تاریخی و مذهبی فارسی در آن کشور به چاپ رسید؛ که نخستین آنها، لسان‌العجم معروف به فرهنگ شعوری‌ست که فرهنگی فارسی-ترکی‌ست و به سال ۱۱۵۵ق (۱۷۴۲م) در اسلامبول از چاپ خارج شد.

نخستین روزنامه ترک‌زبان جهان تقویم وقایع است که به سال ۱۲۴۷ق (۱۸۳۱م) در پایتخت عثمانی آغاز به انتشار کرد و آن، حدود شصت سال پس از ورود زبان فارسی به روزنامه‌های انگلیسی کلکته، نه سال پس از انتشار مرآت‌الآخبار و جام جهان‌نما روزنامه‌های سراسر فارسی همان شهر بنگالی و شش سال پیش از چاپ نخستین روزنامه ایران، یعنی کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی، بوده است.

ایرانیان همواره به روزنامه‌های ترکی و فارسی عثمانی توجه داشتند و در صورت و معنا از آن روزنامه‌ها تقلید کردند. کافی‌ست بگوییم که واژه‌هایی همچون سالنامه و جریده و مطبوعات و مخبر و موزع و... از ترکی عثمانی وارد زبان فارسی ایران شد و نام بسیاری از روزنامه‌های ایرانی نیز تقلیدی از نام روزنامه‌های ترک بود.

روزنامه‌های چاپ ایران هم در میان اتباع عثمانی خواننده داشت. پاسخ به‌نامه‌های برخی از این خوانندگان که در روزنامه‌های دوره ناصری چاپ تهران درج شده است، گواه بر این مدعاست.^۵

انتشار روزنامه فارسی پیش از اختر یا همزمان با آن

برخی از منابع تاریخی، از روزنامه‌هایی نام برده‌اند که پیش از انتشار اختر و یا همزمان با آن در اسلامبول به چاپ رسیده است. حال آن‌که جز در مورد یکی از آنها، هیچ‌گونه دلیل استواری بر انتشارشان در دست نیست:

ترکستان - نخستین بار، در خاطرات خان‌ملک ساسانی - مأمور پیشین سیاسی ایران در اسلامبول که خود دستی در کار پژوهش داشت - از انتشار روزنامه‌ای فارسی‌زبان در اسلامبول پیش از انتشار اختر سخن به میان آمده است.^۶ وی، با توجه به اسناد سفارت ایران در پایتخت عثمانی، یادآور می‌شود که آن روزنامه «ترکستان» نام داشته، در ۱۲۸۱ق (۱۸۶۴ یا ۱۸۶۵م) منتشر شده و «راجع به روزنامه مزبور در دفاتر سفارت پیش از این به نظر نرسید». خان‌ملک ساسانی می‌افزاید که نسخه‌ای از «ترکستان» را میرزا حسین‌خان مشیرالدوله که در آن هنگام سفیر ایران در باب‌عالی بود به تهران فرستاده است. این سخن را فریدون آدمیت نیز تکرار کرده^۷ ولی اطلاع تازه‌ای

درباره آن روزنامه نداده است.

یازده سال پس از تاریخ فرضی انتشار «ترکستان» روزنامه اختر آغاز به انتشار کرد. آن روزنامه در دوره طولانی انتشار خود و روزنامه‌هایی که پس از آن به فارسی در اسلامبول به چاپ رسیدند هیچ گونه اشاره‌ای به «ترکستان» نکردند. وانگهی، نه تنها در آرشیوهای کنونی اسلامبول و آنکارا — که فهرست موجودی روزنامه‌ها و مجله‌های برخی از آنها نیز منتشر شده است — نسخه‌ای از «ترکستان» وجود ندارد، بل، تاکنون در آثار منتشرشده ترک و غیرترک درباره تاریخ روزنامه‌نگاری آن کشور نیز سخنی از این روزنامه به میان نیامده است.

شاید «روزنامه» ای که مشیرالدوله به تهران فرستاده به مفهوم رایج‌تر آن زمان و در واقع گزارش خطی رویدادهای ترکستان باشد که به جبهتی برای دربار عثمانی یا مقامهای آن کشور ارسال شده، نظر سفیر ایران را به خود جلب کرده و او را بر آن داشته است که نسخه‌ای از گزارش را برای آگاهی وزارت خارجه به تهران ارسال دارد. نسخه‌ای که متأسفانه نشانی از آن در آرشیو وزارت خارجه ایران برجا نمانده است.

اتحادالاسلام - بنا به نوشته ابراهیم صفایی ملایری در رهبران مشروطه، به پیشنهاد ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس (حیرت قاجار)، روزنامه‌ای به دو زبان فارسی و عربی به نام «اتحادالاسلام» در پایتخت عثمانی انتشار یافته است. صفایی پا را از این فراتر می‌نهد و می‌نویسد «روزنامه اتحادالاسلام منتشر شد و مدتی خود شیخ‌الرئیس مسؤول آن بود».^۱

درباره این روزنامه دوزبانه چاپ اسلامبول، در هیچ یک از منابع روزنامه‌نگاری عربی و ترکی نیز — به مانند منابع فارسی و از جمله سرگذشتنامه شیخ‌الرئیس در دیوان منتخب نفیس او — نشانی نیافتیم. به نظر می‌رسد که نوشته صفایی از تلگرام رمزی که میرزا ملکم‌خان در ۱۲۹۷ پیرامون نقشه‌های عثمانیان جهت تشکیل یک کشور واحد اسلامی به تهران فرستاده بود متأثر باشد. صفایی این تلگرام را در جایی دیگر نقل کرده است:

درباب خیالات دولت عثمانی برای اتحاد اسلام... در این باب بعضی کتابچه‌ها نوشته و یک روزنامه مخصوص هم برپا نموده و الآن در اسلامبول گرم این خیال هستند.^۱

می‌بینیم که در این گزارش ارسال شده از لندن نیز از زبان روزنامه و دست‌اندرکاران آن سخنی به میان نیامده است.

این را هم بیفزایم که ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس در آن سالها در اسلامبول می‌زیست و با سید جمال‌الدین افغانی در کار وحدت اسلامی می‌کوشید. وی، بعدها

کتابی به نام اتحادالاسلام در هند به چاپ رسانید،^{۱۱} ولی این که او یا دیگری «خیال» دولت عثمانی را جهت چاپ یک روزنامه فارسی یا دوزبانه جامه عمل پوشانده باشد محل تردید بسیار است.

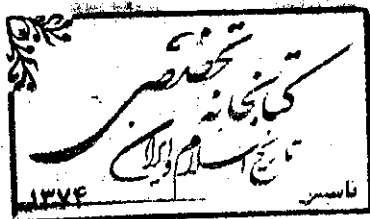
جهان و خورشید - از نامه‌ای که میرزا آقاخان کرمانی خطاب به ملکم نوشته چنین برمی‌آید که این نویسنده روزنامه‌نگار نیز می‌خواسته روزنامه‌ای به نام «جهان» در اسلامبول برپا کند ولی آن را «از قوه به فعل» درنیآورده است.^{۱۲} میرزا مهدی‌خان تبریزی سردیر اختر هم در سال ۱۳۱۴ق پس از توقیف آن روزنامه تقاضای انتشار روزنامه‌ای به نام «خورشید» کرد لیکن آن روزنامه نیز منتشر نشد.^{۱۳}

شاهسون - اما وجود یک روزنامه فکاهی-اجتماعی که در سال چهاردهم از انتشار اختر چاپ شده، محرز است. این نشریه، شاهسون نام داشت و به سال ۱۳۰۶ق (۱۸۸۹م) مخفیانه در اسلامبول منتشر شد و آن را توسط پست از شهرهای مختلف اروپا به تهران ارسال داشتند. بدین گونه، شاهسون را باید پدر روزنامه‌های مخفی فارسی دانست.

هیچ نسخه‌ای از این روزنامه در دست نیست. لیکن با توجه به آنچه منابع متعدد نوشته‌اند، تنها شماره آن به طریقه ژلاتینی به چاپ رسیده است. از این رو باید آن را نخستین روزنامه فارسی با این نوع چاپ انگاشت و چون محتوایش فکاهی بود، نخستین نشریه‌ای معرفی کرد که با این روش به زبان فارسی چاپ شده است. در بالای صفحه شاهسون نوشته بودند: «در هر چهل سال یک بار منتشر می‌شود».

از دو نمونه‌ای که تربیت از شاهسون برگزیده و براون آن را ترجمه کرده^{۱۴} چنین برمی‌آید که خلاف تصور اکثری از محققان، این روزنامه مخفی، «سیاسی» به مفهوم شناخته شده آن نبوده و به انتقادهای اجتماعی بسنده می‌کرده است. یکی از این نمونه‌ها مربوط به غیربهداشتی بودن حمامها و دیگری در انتقاد از صرف وقت رجال ایران در عزاداری مذهبی‌ست. روش این روزنامه در انتقاد اجتماعی، یک سال بعد از انتشارش در برخی از مطالب قانون‌چاپ لندن مورد تقلید قرار گرفت.

نام دست‌اندرکاران شاهسون در آن به چاپ نرسیده است. لیکن اکثر منابع محتوای روزنامه را به میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی نویسنده و منتقد اجتماعی آن عصر که در قفقاز می‌زیست و همچنین سید محمد شبستری معروف به ابوالضیاء منسوب داشته و خط آن را نیز از شخص اخیر دانسته‌اند. ابوالضیاء، در خلال نهضت مشروطه و پس از آن با انتشار ایران نو روزنامه‌نگاری نامبردار شد.

سرگذشت اختر و اختریان^۱

تاریخچه

به سبب دربرداشتن مطالب روشنگر و سبک ویژه آن، روزنامه خبری - سیاسی اختر یکی از مهمترین روزنامه‌ها در تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی است. از سوی دیگر، اگرچه پیشتر در هند روزنامه‌هایی با دست‌اندرکاری ایرانی‌تباران به چاپ رسیده بود، اختر اولین نشریه منظمی است که از سوی ایرانیان و در وهله نخست برای ایرانیان، در خارج از کشور انتشار یافته است.

نخستین شماره این روزنامه، پنجشنبه شانزدهم ذیحجه ۱۲۹۲ق^{۱۵} (برابر با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۵ = ۲۴ دی‌ماه ۱۲۵۴ خورشیدی) به چاپ رسید و برابر موجودی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، آخرین شماره در دسترس آن، شماره دهم سال بیست و سوم مورخ سی‌ام ربیع‌الاول ۱۳۱۴ق (برابر با هشتم سپتامبر ۱۸۹۶) بوده است حال آن‌که تمامی منابعی که از این روزنامه یاد کرده‌اند، پایان انتشارش را در ۱۳۱۳ق نوشته‌اند^{۱۶} و تنها یک منبع متأخر، چاپ واپسین شماره اختر را در ۲۴ صفر ۱۳۱۴ ذکر کرده^{۱۷} و این تاریخ نیز یک ماه و اندی از تاریخی که یاد شد عقب‌تر است.

بنابراین، اختر حدود بیست و دو سال دوام یافته است. لیکن از آن‌جا که بارها به تحریک هیأت حاکمه ایران و یا به‌طور مستقیم از سوی مقامهای ترک توقیف شد و از سال نهم نیز به مدت یکسال و نیم به بهانه «وقوع زلزله» انتشارش معوق ماند،^{۱۸} نظر کسانی که مدت انتشار آن را حدود بیست سال نوشته‌اند، نیز، درست است.

اختر، ابتدا هفته‌ای پنج شماره نشر می‌یافت و از این‌رو، نخستین روزنامه فارسی‌زبان است که به‌روزانه شدن نزدیک شده است.^{۱۹} از سال دوم، فاصله انتشار روزنامه به هفته‌ای دوبار (دوشنبه و چهارشنبه) و در سالهای آخر به هفته‌ای یک شماره (پنجشنبه‌ها) کاهش یافت.

اداره این روزنامه از اواخر ۱۲۹۳ق به‌صورت شرکت در آمد و از این جهت هم نخستین روزنامه فارسی و مورد تقلید حیل‌المتین کلکته است. در «شرکت اختر» چند تن از اتباع عثمانی نیز سهم داشتند^{۲۰} و اداره روزنامه دارای یک چاپخانه و سلسله انتشاراتی به‌صورت کتاب بود.^{۲۱}

دست‌اندرکاران

مدیر اختر، آقا محمدطاهر قرچه‌داغی تبریزی (وفات: ۲۱ ذیقعدة ۱۳۲۵ در اسلامبول)، بازرگان و صاحب چاپخانه اختر بود و به‌نوشته بسیاری از منابع، غیر از تأمین

(مطبعه و ادارخانه اختر)

ایلامبول خان والده در دائره
مخصوصه است کارهای مطاق
دائره راجع به آقا محمد طاهر
صاحب لیترا اختر است
اسی وکلای کرام در مساک
دور و نزدیک کاهی در مسکه
تخریق کاشته می شود
به منته ۳۰ ربیع الاول ۱۳۱۴
۲۷ آگستوس روسی سنه ۱۳۱۲
۸ بطبر ماه فرنگی سنه ۱۸۹۶



(تقریر بدلات مسالیه)

در سعادت ۱ مجیدی سپهر
دیگر مالک هر و سه همایه مجیدی
مالک هر و سه ایران سی و پنج فرانس
مالک هندوستان و بنادر ۱۲۲ اروپا
مالک روسی و قفقاز ۱۰ سات
مالک اروپا ۲۵ فرانک
مناقصه ۶۰ پاره است
جرت بورت همه چاپ کرده
اداره است.

مشر اولی چاپی میوزامهدی نیرزیست

داین ده زمانه از هر گونه وقایع و اخبار و سیاسیات و پولیتیکو و ادب و دیگر مشایخ عمومی سخن گفته میشود. هفته یکبار (طبع)
(بیکر دو اوراق و ترغیبهای سود مند را باستان می پذیریم. در نوشتن کافدهای که از خارج می رسد اداره مختار است. کافدی راه)
(نورتنه نیز خود صاحب حق است و در آرا دارد کافد های که پول بورت ندارد گرفته نمی شود.)

مندرجات

سیاسی - خبرهای تاکرانی - توجیهات - نشان - کرده بیه -
با تخم ابریشم - تبریز - ایران - وقایع پرنس لویانوف
- جواب روزنامه نسری - فنوت - ایالت وازیل -
ارمن و طوقان - یونان - کنتی چنکی - اوستریا
و رومانی - حکمران صربستان - واپون - اعلان -
صراجه

سیاسی

مشغولیت عمده بسیاری از مطبوعات فرنگستان
در طرف این هفته منحصر بنگارش خبر وقایع پرنس
لویانوف و وزیر خارجه روس و تمین وزیر خارجه
دیگر بجای منوقی مشارالیه است. روزنامه های مذکور
از روی حدس نام چند تقریری را نیز برای آن وزارت
ان بزرگان روس می شمارند ولی تا کون از جانب اعلا
حضرت امپراتور روس شخصی بطور رسمی بوزارت
مشار الیها معین نشده البته این روزها خواهد شد.
این قدر هست که بسیاری از روزنامه های فرانسه و اوستریا
و المان و غیره از وقایع آن وزیر که هواخواه صلح

و مسالت عمومی بود اظهار تأسف و تأثر میکند.
اما تنها اعلام این تأثر در مطبوعات انگلستان مشهود
نیست بلکه بالعکس نایکدرجه خورشندی خود شان
را نیز از این واقعه پنهان نمی کنند و سبب آن هم
معلوم نیست.

باری سبب عمده مشغولیت مطبوعات فرنگستان
در این باب بلحاظ این است که مبادا بدین وسیله تغییری
در وضع پولیتیک دولت روس روی داده سبب ظهور
انقلاب در وضع سیاسی دولتهای بزرگ فرنگستان
گردد. ولی بسیاری از روزنامه های معتبر پترسبرگ
بدین تشویش خاطر مطبوعات اروپا پی برده میگویند
دولت روس از مسلك صلحجوی خود بوجهی
انحراف نخواهد جست و بسبب وقایع پرنس لویانوف
ممکن نیست که تغییری در مسلك سیاسی دولت مشارالیها
روی دهد. هر گس بمقام وزارت خارجه روس برآید
هر آینه از مسلك مستقیم وزیر خارجه متوقا پیروی
خواهد نمود.

سرمایه انتشار روزنامه، دخالت مثبت دیگری در کار آن نداشته است. با این حال، نام او همواره در آخرین صفحه اختر به صورت «طاهر» چاپ می‌شد و از برخی شواهد، از جمله نامه‌های او به میرزا ملکم خان^{۲۲} چنین برمی‌آید که در اداره روزنامه، بل در تنظیم مطالب آن نیز بی‌تأثیر نبوده است.

تا نیمه سال دوم روزنامه، نامی جز آقا محمد طاهر در میان نبود ولی چنان که خواهیم گفت مطالب مهم را نجفعلی خان می‌نوشت. از آن تاریخ تا پایان انتشار اختر، «منشی اول» یعنی سردیر آن، میرزا مهدی خان تبریزی (تبریز جمادی‌الاول ۱۲۵۵ - اسلامبول ذی‌الحجه ۱۳۲۵) است که به سبب انجام این وظیفه، خود نیز مشهور به «اختر» شد. وی، در بیست و چهار سالگی به اسلامبول رفت و در آن جا علاوه بر نگارش روزنامه اختر، چاپخانه خورشید را تأسیس کرد و آثار تألیفی نیز از خود به یادگار گذاشت.^{۲۳} میرزا مهدی خان تبریزی را نباید با همنامش که به سال ۱۳۱۰ ق حکمت را در قاهره منتشر ساخت، به اشتباه گرفت.^{۲۴} کسانی نیز به نادرست، میرزا مهدی خان را از ابتدای انتشار اختر، از دست اندرکاران آن پنداشته‌اند.^{۲۵}

میرزا نجفعلی خان تبریزی (خوبی) مترجم سفارت ایران در اسلامبول، در آغاز انتشار اختر بسیار موثر بود و جهت و روش سیاسی مطالب روزنامه در سالهای نخستین این روزنامه، با نظر وی تعیین می‌شد. وی، در حالی که اختر به راه خود ادامه می‌داد، به قاهره و در سال ۱۳۰۸ به تهران منتقل شد و سال بعد درگذشت. چندین تألیف از وی برجاست.^{۲۶}

میرزا نجفعلی خان در همکاری با اختر - با به عبارت صحیح‌تر: «هدایت» این روزنامه - از پشتیبانی میرزا محسن خان معین‌الملک^{۲۷} سفیر ایران در باب‌عالی برخوردار بود.^{۲۸} اما هدایت و پشتیبانی این دو تن را با اختر نباید دلیل وابستگی آن روزنامه انگاشت. به این موضوع باز خواهیم گشت.

از همکاران نامدار اختر میرزا آقاخان کرمانی نویسنده و شاعر مبارز است که در سال یازدهم از انتشار روزنامه، یعنی از ۱۳۰۳ ق بدان پیوست و بعدها به علت‌های مختلف و از جمله، عدم پرداخت دوازده لیره حقوق ماهانه‌اش،^{۲۹} همکاری خود را با آن محدود کرد و سرانجام از اختر برید و از راه دور به مملک و روزنامه قانون او که در لندن به چاپ می‌رسید پیوست.

همکاری میرزا آقاخان با اختر یک سال یا اندکی بیشتر ادامه داشته است.^{۳۰} برخی را عقیده بر این است که چون قرار می‌گذارند که روزنامه با یاری مالی دولت ایران و با

حمایت میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان صدراعظم وقت چاپ شود، میرزا آقاخان از همکاری با این روزنامه دست‌شسته است. به‌ظاهر پایه این پندار، نامه‌ای از میرزا آقاخان است که در آن درباره میرزا محمدطاهر مدیر روزنامه نوشته شده «از بس من خلاف وجدان کاریهای او را دیدم، آخر او را ترک کردم و او هم مبالغی مال مرا خورد...».^{۳۱} در روزنامه، خبر قطع همکاری میرزا آقاخان بدین صورت به چاپ رسیده است: «اخطار. عالیجاه مجدت همراه میرزا آقاخان کرمانی که از یک‌سال به این طرف در اداره اختراست محرری داشت از نمره همین ماه ربیع‌الاول با ما قطع علاقه نموده و در اداره اختراست به هیچ وجه صفت و سستی ندارد».^{۳۲} باید یفزایم که خلاف نظر خانم لمبتون که میرزا آقاخان را بنیادگذار اختر دانسته^{۳۳} وی هیچ‌گونه نقشی در این زمینه نداشت و چنان که گفتیم حدود یک‌سال، آن‌هم از سال یازدهم روزنامه، با آن همکاری قلمی می‌کرد.

همولایتی و باجناق میرزا آقاخان، یعنی شیخ احمد روحی کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی متخلص به‌دستان (وفات: ۱۳۱۱ق در اسلامبول)^{۳۴} و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله از رجال خیرخواه و اصلاح‌طلب ایران، از دیگر همکاران برجسته این روزنامه بودند که اکثر بدون نام و یا با نام مستعار با آن همکاری داشتند.

در سالهای ۲۲ و ۲۳ یعنی واپسین سالهای انتشار اختر، جز میرزا مهدی‌خان تبریزی که همچنان «منشی اول» معرفی می‌شد، دیگر نامی از نویسندگان در میان نیست. در سال آخر، حسین‌بیک فرزند محمدطاهر به‌عنوان مترجم فرانسه با روزنامه همکاری داشت.

آیا اختر روزنامه‌ای وابسته بود؟

برخی از منابع اختر را وابسته به دولت ایران و گروهی دیگر وابسته به حکومت عثمانی پنداشته‌اند. در این‌جا نظرهای هر دو گروه را با ایرادهایی که بر آن نظرها وارد است ذکر می‌کنم:

رابطه «اختر» با دولت ایران — با وجود انتقادهای پنهان و آشکار اختر از اوضاع ایران، ممانعت مکرر از ورود و توزیع آن در ایران و حتی تحریک عثمانیها توسط دولت ایران برای جلوگیری از انتشار این روزنامه، کسانی دست‌اندرکارانش را «از ایادی ناصرالدین‌شاه در استانبول» خوانده‌اند.^{۳۵} من این اتهام را با توجه به محتوای اختر و نقش مهمی که در بیداری افکار و برانگیختن عقاید عمومی ایفا کرده وارد نمی‌دانم.

البته یاریهای مالی نیز از سوی برخی مقامهای وطنخواه و اصلاح‌طلب ایرانی به این روزنامه شده ولی انگیزه آن یاریها در وهله نخست افکار خود آن افراد بوده است:

معین‌الملک سفیر ایران، به وزارت خارجه نوشت «چون آقا محمدطاهر خودش نمی‌توانست از عهده آن برآید، من میرزا نجفعلی خان را گفتم به او کمک کند» و در نامه‌ای دیگر به وزیر امور خارجه یادآور شد که «روزنامه اختر شصت نمره در آمد و بعد خوابید. [با] یک صد لیره که التفات فرموده‌اید ان شاء الله دوباره دایر خواهد شد».^{۳۶} سفیر، در جای دیگر، از تهران می‌خواهد «سیصد تومان به صبغه انعام به اداره اختر التفات کنید. عجاله در مقابل یاوه‌گوییهای روزنامه‌های ترکی اسلحه‌ای بهتر از این نداریم».^{۳۷} میرزا ملکم خان ناسرقانون نیز در گزارش گله‌آمیزی به وزیر امور خارجه بر چاپ گزارشهایش که خطاب به وزارت خارجه بود و در اختر به چاپ رسید، ایراد گرفته است: «مضامینی که بنده از برلین محرمانه خدمت بندگان عالی تلگراف کرده بودم، در کمال خفت چاپ و مرا تمسخر کرده است». وی وزارت خارجه را به استهزا می‌کشد که «برخلاف گمان من، از خوشختی ایران، اولیای دولت علیه محسنات آزادی روزنامه‌ها حتی در تحریرات محرمانه دولتی ملتفت و معترف شده‌اند».^{۳۸} یادآوری این نکته هم خالی از اهمیت نیست که میرزا نجفعلی خان را بر اثر مقاله تنددی که علیه روسیه در سال ۱۲۹۴ق در اختر به چاپ رسانید، مدتی از خدمت سفارت خارج کردند.^{۳۹}

اینها که برשמردیم، میان کارکنان وزارت خارجه که می‌خواستند روزنامه‌های فارسی در برابر روزنامه‌های ترک علم شود می‌گذشت و به ظاهر کاری به شاه و صدراعظمش داشت. لیکن، سوای وزارت خارجه‌ایها، نظر هیأت حاکمه ایران نسبت به این روزنامه اصلاح طلب سخت منفی بود: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین شاه در یادداشت‌های خصوصی خود بارها از خشم شاه نسبت به نوشته‌های اختر پیرامون نابسامانیهای ایران، یاد کرده است. شاه، در نامه‌ای خطاب به صدراعظم خود امین‌السلطان نوشت:

این روزنامه اختر باز فضولیهای زیادی می‌کند. نسخه آن را دیدم. حال می‌دهم بیاورند. آرتیکلهای بدی نوشته است. ملاحظه بکنید. این روزنامه این دفعه باید جداً غدغن سخت بشود که پستخانه قبول نکرده و بیاورند به ایران. حتی به چاپارهای انگلیس و روس و فرانسه هم غدغن بکنید که من بعد روزنامه اختر بیاورند به ایران. به امین‌الدوله دستخط نوشتم. شما هم تاکید کنید که از این تاریخ دیگر روزنامه بیاورده و منتشر نکنند. به سفرها هم خودتان غدغن بکنید که چاپارهای آنها روزنامه اختر را قبول نکرده بیاورند

البته.^{۴۰}

قانون چاپ لندن که در شانزدهمین سال زندگی اختر آغاز به انتشار کرد، درباره این روزنامه نوشت: «روزنامه اختر به دولت و ملت ایران بیشتر خدمت می‌کند تا هفتاد وزیر اعظم»^{۱۱} و در جای دیگر، به کنایه «از قول اولیای آبدارخانه قاهره» متذکر شد که «مگر نمی‌بینید به چه مواظبت قدغن کردیم که روزنامه اختر در این بابها ابدأ حرف نزنند»^{۱۲}.

من بار دیگر از خشم هیأت حاکمه ایران ناصری نسبت به محتوای اختر یاد خواهم کرد و در این جا بدین بسنده می‌کنم که دولتیان، گاهی در برابر این روزنامه سخت می‌گرفتند و زمانی به کجدار و مریز می‌گذراندند. اما، مهمترین شیوه آنان در مقابله با اختر تقلید از سبک و شیوه روزنامه موفق اسلامبول در روزنامه‌های دولتی ایران بود.^{۱۳} برخی از روزنامه‌های چاپ هند توسط ایرانی‌تباران نیز، در تقلید از اختر بر روزنامه‌های داخل کشور پیشدستی می‌کردند^{۱۴} به احتمال قوی، قرار و مداری که در سال ۱۲۸۱ق میان ایران و عثمانی درباره سانسور مطالبی که به روابط دو کشور صدمه می‌زد گذاشته شد، ناظر بر کار اختر بوده است.^{۱۵}

مقاله‌های روشنگر اختر و این واکنشهای منفی شاه و دیگر مقامهای ایران، نادرستی نظر کسانی را می‌رساند که روزنامه را وابسته به دربار و دیوان ایران ناصری قلمداد کرده‌اند. تنها یک بار از چشمداشت محمدظاهر مدیر روزنامه با اطلاعیم و آن تقاضای «انحصار طبع قرآن در ایران» است و این که «تا مدت پانزده سال هر کتابی که چاپ بشود او [= محمدظاهر] چاپ کند»^{۱۶} ولی با این تقاضا مخالفت شد.^{۱۷}

این را هم بگوییم که در دوره مظفرالدین شاه، به سبب افزایش آزادی بیان در داخل کشور، روابط اختر با دربار و دیوان بهبود یافت. اختر شخص شاه و برخی دیگر گونیهای مثبت ایران را می‌ستود و شاید چنان که انتشارش تا صدور فرمان مشروطه ادامه می‌یافت، در این باره هم مطالب دیگری در تأیید مردم‌داری و آزادمنشی شاه می‌نوشت. در اوائل سال ۱۳۱۴، یعنی سه ماه پس از آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه بود که وی «اختریان» را نواخت و آن لطف شاهانه بدین گونه در روزنامه بازتاب یافت:

از جانب سنی‌الجوانب اعلا حضرت اقدس پادشاه ایران و متبوع مفخم ایرانیان به سرکار معتمدالسلطان آقا محمدظاهر صاحب امتیاز این روزنامه دوم درجه نشان (شیر و خورشید) و به عالیجاه مجدت همراه مقرب الحضرة الخاقانیه حاجی میرزا مهدی منشی اول اختر نیز سوم درجه آن نشان عالی مرحمت شده است.

جای دارد که از این عواطف سنیه اعلا حضرت اقدس همایون پادشاه دل آگاه کلاه گوشه میباهات اختریان فرقدسای شود که این خدمت محقر در پیشگاه فلک دستگاه آن شهریار تاجور جلوه گر افتاده است. شکر این موهبت کبرا از دائرة اقتدار اختریان بیرون است. از خدای درخواست می نمایم که ما را توفیق خدمتگذاری احسان فرماید که بلکه بتوانیم از ادای یکی از هزار حق نعمت این پادشاه مراحم دستگاه بر آییم انه قادر علی ذلک.^{۱۸}

اختر و دولت عثمانی - بعضی دیگر نیز بر وابستگی اختر به مقامهای عثمانی، پای افشوده اند. از جمله آنها روزنامه فارسی زبان جبل المتین چاپ کلکته است که با اشاره به مسائل داخلی عثمانی به تلویح از رعایت منافع آن امپراتوری در اختر انتقاد کرده و نوشته است: «همعصر محترم ما روزنامه گرامی اختر که در مطبوعات فارسی اختریست تابان در معاملات ارمنستان علاوه بر این که بحث نکرده امورات صدقه و واقعات حقه را نیز قلم انداز نموده...»^{۱۹}

چون اختر به سال ۱۲۹۳ پس از انتشار شصت شماره - به ظاهر به انگیزه دشواری مالی - از انتشار باز ایستاد، سلطان عثمانی به سفیر ایران از بسته شدن روزنامه «اظهار تکدر» کرد و افزود «حیف است در اسلامبول [به] زبان فارسی که اساس زبان ترکی و اعذب السنه است روزنامه نباشد» و «خیلی اظهار تمایل به انتشار روزنامه فارسی» نمود.^{۲۰} چندی بعد، سفیر به وزارتخانه خود اطلاع داد که در «بیست و هشت محرم ۱۲۹۴ نظر به تشویق سلطان روزنامه اختر دوباره دایر شد. نسخه اولش را به حضور [سلطان] فرستادم. پنجاه و پنج نسخه آبونه شدند و پولش را فرستادند. بیست نسخه به وزارتخارج و بیست نسخه به [وزارت] معارف و ده نسخه به دربار و پنج نسخه به شاهزادگان قسمت فرمودند. یک نسخه هم علی حده برای خودشان خواستند. گویا خیال دارند یک عطیه ای مستمراً برای آقا محمدطاهر بفرستند». سفیر ایران در همین نامه به یکی از مقاله های اختر که در آن به روسیه حمله شده خشم دربار و دیوان ایران را برانگیخته بود اشاره می کند و می افزاید: «بستن روزنامه به جهت این که اتباع عثمانی شریکند و نظارت عمومی آن در دست حکومت است ممکن نخواهد بود».^{۲۱}

خان ملک ساسانی معتقد است که «همانطوری که روزنامه جبل المتین چاپ کلکته از نایب السلطنه هندوستان الهام می گرفته، روزنامه اختر استانبول هم از سلطان عثمانی کسب الهام می کرده و بعد از بر هم زدن مذاکرات ایران و روس برای اتحاد اسلام قلمفرسایی

می‌کرده، قتل‌عام شیعیان سامره و قتل و غارت کربلای معلی که به‌امر سلطان انجام شد نشیده می‌گرفته است».^{۵۲}

در مورد این اتهامها، چیزی نمی‌توان گفت جز آن که آنها را دلیلی بر وجود ممیزی عثمانیها و خودممیزی (اتوسانسور) در روزنامه مزبور بدانیم. ساده‌دلانه خواهد بود اگر بپنداریم که در شرایط حاکم بر عثمانی و سختگیریهایی «اداره مطبوعات» و «معاينة مطبوعات» — یعنی دستگاه سانسور آن دولت که از آن یاد شد و به‌قول سفیر ایران «نظارت عمومی» بر اختر نیز مانند دیگر روزنامه‌ها در دست حکومت بود — روزنامه‌ای ایرانی می‌توانست جز این عمل کند. در اسناد عثمانیست که: به‌سال ۱۳۰۷ق (۱۸۸۹م) علی فوادبای منشی وزارت داخله عثمانی مأمور بود که اختر و دیگر آثار چاپی چاپ شده در اسلامبول را «پیش از انتشار» از نظر بگذراند و ممیزی کند.^{۵۳} برای شناخت دستگاه سانسور عثمانی، کافیست بگوییم که آن دستگاه در سال ۱۳۱۳ق (۱۸۹۶م) لغت «مراد» را از صفحه‌های کتاب سیاحتنامه اولیای چلبی حذف کرد تا نام سلطان‌مراد را متبادر به‌ذهن نسازد!^{۵۴} میرزا آقاخان کرمانی هم بارها از این که در آن کشور «امر مطبوعات خیلی سخت شده حریت افکار و آزادی قلم برای کسی میسر نیست»^{۵۵} و این که «کار مطبوعات هم زیاد از اندازه مغشوش و تحت تضيیقات است»^{۵۶} سخن گفته است.

همین میرزا آقاخان، درباره فشارهایی که بر اختر وارد می‌آمد به‌ملکم نوشت که: «اختر را هم از دو طرف، یعنی عثمانی و ایرانی، نمی‌گذارند یک کلمه خدمت به‌آدمیت کند، بلکه یک کلمه سخن بنویسد».^{۵۷} وی، بارها از «اذن» و اجازه «اداره مطبوعات» و «مأمورین مطبوعات و سانسور» عثمانی برای انتشار مطالب اختر سخن گفته است.^{۵۸}

در یکی از توفیقها که به‌دستور مقامهای عثمانی انجام گرفت، اختر اطلاعیه‌ای جداگانه منتشر ساخت که نکته‌های مهم در بر دارد و به‌همین سبب آن را نقل می‌کنیم:

اخطار

بر همگان پوشیده نیست که روزنامه اختر سالیان دراز است در پایتخت اعظم اسلام به‌نیت پاکی طبع و نشر می‌شود. به‌اقتضای مقصود مقدسی که از روز نخستین پیشنهاد خود کرده به‌قدری که توانسته طرف آن مقصود مقدس را که خدمت به‌عالم اسلامیت و انسانیت است مهمل و متروک نگذاشته و همت به‌حصول آن گماشته است. سپاس مرخدای را که تاکنون در قطع مراحل این خدمت معتنا نیز لغزشی نداشته... ولی با همه این، در

این جزو زمان یعنی در این یک ماه آخری اداره بهیة مطبوعات به سببی که معلوم نیست چشم از خدمات چندین ساله اختر پوشیده به پاره [ای] تکالیف شاقه که از ذکر آنها ما را شرم همی آید عرضه را بر اختریان تنگ گرفت و در بیست و ششم ماه جمادی الاخری به تفصیلی که شرح آن در نسخه ۲۶ مورخ دوازدهم رجب گذشت اختر را به طور موقت تعطیل نمود و چون تقصیری که مستلزم تعطیل باشد در میان نبود، لهذا پس از یک هفته رخصت طبع و نشر ارزانی شد. و پس از چند روز دیگر دوباره آن تکالیف شاقه که اختریان به جهات عدیده در عدم قبول آن معذور بودند، به میان آمد. بالطبع امتناع شد. تا این که روز پنجم بیست و ششم رجب، باز از اداره بهیة مطبوعات تعطیلنامه فرستاده شد که ترجمه آن ذیلاً نوشته می شود.

(ترجمه)

روزنامه اختر برای آن که برخلاف امر و تنبیه حکومت رفتار و در آن حرکت نیز اصرار داشت، لهذا روزنامه مذکور از امروز به امر عالی «یعنی حکم صدراعظم» بلا تعیین مدت تعطیل شد. فی ۲۶ رجب ۱۳۰۶

حال آن که به اعتقاد ما، عدالت سنیه اعلا حضرت اقدس شاهنشاه اسلام که حامی مطلق تمامی فرق انام است هیچ وقت راضی نخواهد شد که بعضی مامورین جزو درباره مطبوعات (...) تا این پایه سختگیری کرده روزنامه نگاران این شهر مینویسند را که زنده احسان پادشاه دل آگاهند مورد خسارت های متوالی نمایند (...). امیدواریم در این دو سه روزه موانع از میان برخاسته به رفع تعطیل اشارت علیه هما یونی صادر گردد تا از پرتو التفات پادشاهی اختر از وبال به در آید و به قرار پیش به ایفای مراسم خدمت و عبودیت قیام نماید.

به هر حال عجاله برای آگاهی مشترکین محترم به عرض و نگارش این

مختصر پرداخته به اعلان مطلب مبادرت ورزید. فی ۲ شعبان ۱۳۰۶ هـ

توقیف روزنامه توسط مقامهای ترک منحصر به این مورد نیست. اختر بارها از سوی ترکان توقیف شد و از جمله در سال آخر انتشارش و پیش از آن که برای همیشه توقیف شود، یک بار سه هفته آن را از انتشار بازداشتند. «سبب آن نیز مختصر سهوی بود که در سر یک کلمه به وقوع رسیده به جزای تعطیل سه هفته گرفتار آمدیم». روزنامه «به حکم اداره مطبوعات» تعطیل شده بود و روزنامه نگار یادآور می شد که «ناگزیر از انقیاد

به حکم قانون مملکت هستیم». در اطلاعیه مربوط به همین توقیف، دربارهٔ سانسور مقامهای ترک آمده است که «همچنین است در خصوص پاره [ای] حوادث و خبرهای داخلی که انتشار آنها بسته به تصدیق ادارهٔ بهیهٔ مطبوعات است [و] بدون تصدیق و صوابدید آن اداره، روزنامهها (کذا) نباید چیزی بنویسند».^۶

دربارهٔ مقالهٔ ضد روسی اختر که خان‌ملک ساسانی بدان اشاره کرده است باید یادآور شد که افکار ایرانیان آن روزگار سخت ضد روسی بود و قصد روسها از مذاکره در تهران، تشویق ایران به اتحاد با روسیه علیه عثمانی بوده است. بنابراین، مقالهٔ اختر عقاید ایرانیان را بازتاب داده و یک توطئهٔ استعماری را نیز فاش ساخته است.

محتوای اختر

اختر روزنامه‌ای روشنگر بود. در سرلوحهٔ آن این شعار به چشم می‌خورد: «این گازت از هرگونه اخبار و از سیاسیات و پولتیک و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت». دست‌اندرکاران اختر شعار روزنامه را تا پایان انتشارش تکرار و رعایت کردند.

در مقالهٔ آغازین اختر، زیر عنوان «روزنامه و گازت»، ضمن شرحی دربارهٔ سودمندیهای روزنامه و این که روزنامه‌هایی به زبانهای مختلف در اسلامبول به چاپ می‌رسد، آمده است:

روا نیست که در همچنان پایتخت معظم اقلای یک روزنامهٔ فارسی نباشد که هم فارسی‌دانان در این ممالک فخمیه را از وقایع و اخبار جهان و از آنچه به کار احتیاجات حالیه می‌آید به زبان شیرین و دلنشین آگاهی دهد و هم واسطهٔ مزید روابط و مناسبات ملل عظیمهٔ شرقستان که امروز ما را لازمتر از آن چیزی نیست بوده باشد و بدین وسیلت اسباب پیشرفت هرگونه اتحادات مطلوبه و ترقیات صوریه و معنویه در اقطار مشرق‌زمین فراهم گردد و نیز بدین وسیلت نتایج حسنهٔ بسیاری که به مناسبت مقام و سخن منکشف خواهد گردید حاصل آید.

نحوهٔ تفکر دست‌اندرکاران اختر را نسبت به حرفهٔ خود، در انتقادی که از روزنامهٔ

دولتی «ایران» چاپ تهران کرده‌اند می‌توان دید:

... به جز بعضی تشریفات اتفاقیه خبری در آن نیست (...). [دربارهٔ] احتیاجات مردم و چاره‌جویی آنها و ترقی (...). و دعوت مردم به نیکی و ترقیات ظاهریه و معنویه و مانند اینها یک کلمه نمی‌نویسند که اصل منفعت

روزنامه به اینهاست.^{۶۱}

در سرمقاله نخستین شماره اختر نیز شرحی در سودمندبهای روزنامه آمده و یادآوری شده است که «روزنامه و گازت روشنایی بخش آفاق مدنیت است».

تا پیش از انتشار قانون در لندن، روزنامه اختر تنها روزنامه ملی در برابر روزنامه‌های درباری و دولتی ایران بود. از این جهت، اکثر منابع تاریخی محتوای دلیرانه و روشنگرانه این روزنامه را ستوده‌اند: یک مأمور عالی‌رتبه انگلیس در ۱۸۹۴ به مقامهای بالاتر خود گزارش داد که روزنامه اختر در ایران و آسیای مرکزی به صورتی گسترده توزیع می‌شود و دایره انتشار آن از دیگر روزنامه‌های فارسی گسترده‌تر است. وی یادآور شده که در هرات، حاکم آن شهر اختر را مانند بسیاری دیگر دریافت می‌دارد و نوشته‌های روزنامه بر نظرهای او اثر می‌گذارد. مأمور انگلیسی می‌افزاید که ایرانیان هر آنچه را که در اختر نوشته شود حقیقت می‌پندارند.^{۶۲} ادوارد براون در سفر خود به ایران، اختر را «تنها روزنامه قابل خواندن» یافته بود.^{۶۳} محمدعلی تربیت نوشت که «اختر در تمام ادوار انتشار خود مشعل فروزان محافل روشنفکران و مرکز اجتماع افاضل و دانشمندان تبعیدشده ایران» بود.^{۶۴} احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران چنین نظر داده است:

این روزنامه ارجدار و نویسندگانش کسان باغیرت و نیکی بودند و... در پیشآمد امتیاز توتون و تنباکو گفتارهای مغزدار و سودمندی نوشتند که یکی از انگیزه‌های آگاهی مردم آن گفتارها بود.^{۶۵}

فریدون آدمیت می‌نویسد: «موضوعهای مهمی در آن چاپ شده که در ایران چاپ شدنی نبودند».^{۶۶} دیگری یادآور می‌شود که «تغییر وضع روحی و عقیدتی من و روش شدن و برافروختگی ذهنم در مسائل اجتماعی و سیاسی و درک ضرورت تغییر رژیم استبداد به رژیم مشروطه اولین بار روزی جوانه زد که مدیر روزنامه اختر استانبول را ملاقات کردم».^{۶۷}

روشنگریهای اختر

اختر — در دورانی طولانی از حیات خود — از آزادی سخن می‌گفت، استبداد و جهل و خرافه را نکوهش می‌کرد و عقب‌ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران را برمی‌شمرد. این رویه موجب شد که از سویی ترقیخواهان ایران و قفقاز را مخالفان «اختری مذهب» بنامند^{۶۸} و از سوی دیگر مقامهای ایرانی و ترک به ممنوعیت و توقیف مکرر آن دست یازند. با این وصف، چنان که یک پژوهشگر ترک به درستی یادآور شده

است، اختر نشریه‌ای انقلابی نبود، بل، به‌دیگر روزنامه‌های چاپ عثمانی آن دوره می‌مانست و می‌توان آن را رادیکال معرفی کرد.^{۶۱}

آغاز سال دوم انتشار اختر با صدور دستخط صد و نوزده مساعده‌ای سلطان عثمانی مصادف شد و آن دستخط، به‌نوعی، قانون اساسی عثمانی به‌شمار می‌رفت.^{۶۲} اختر ترجمه کاملی از آن را برای آگاهی ایرانیان منتشر کرد و نوشت که این قانون «همه نیکبختی مشرق را اساس است و اقوام وطن را پس از وحشت بیگانگی، واسطه یگانگی».^{۶۳}

ترجمه اختر در ایران دست به‌دست گشت و سی سال پیش از نهضت مشروطه ایران، در قوام اندیشه‌های آزادیخواهان، موثر افتاد. حال آن‌که، تمامی روزنامه‌های داخل کشور، در برابر این واقعه مهم که در کشور همسایه روی داد، ساکت بودند.

در جمادی‌الثانی ۱۲۹۹، اختر شرحی در عیبهای پلیس ایران نوشت و آن نوشته مقامهای ایرانی را سخت برآشت.^{۶۴} همان سال، مقاله‌ای درباره عدالتخانه در روزنامه به‌چاپ رسید. شاه آن مقاله را از میرزا یوسف‌خان تبریزی (مستشارالدوله) پنداشت و دستوری داد که بنا بر آن، مرد آزاده را «چوب زده در انبار دولتی... پنج ماه حبس کردند و جریمه کامل از او گرفتند».^{۶۵} به‌فرمان شاه از ورود اختر به‌داخل کشور ممانعت کردند و چون دو سال و اندی بر این فرمان گذشت، با دیدن شماره‌ای از اختر که وزیر انطباعات بر او عرضه کرده بود «به‌وزیر خارجه دستخط شد مجدداً ممانعت نمایند».^{۶۶}

در ۱۳۰۸ ق (۱۸۹۰ م) امتیاز تنباکوی ایران به بیگانگان داده شد و این نارضایی عمومی را برانگیخت. نخستین بار، روزنامه قانون چاپ لندن به‌رسوا کردن این امتیاز پرداخت ولی چنان که شیوه آن روزنامه بود، به‌جمله‌های شعارگونه در این باره اکتفا شد. چهار ماه بعد، اختر مقاله‌ای تحلیلی درباره اثرهای منفی امتیاز از روزنامه ترک‌زبان صباح ترجمه و چاپ کرد و در پایان خوانندگان خود را مطمئن ساخت که در آینده به‌مجرد دریافت آگاهیهای صحیح، اطلاعات بیشتری درباره این قرارداد خواهد داد.^{۶۷} دو ماه پس از آن، مقاله تندی در اختر به‌چاپ رسید که اشاره‌ای نیز به امتیاز «رزی» داشت: پس از شرح پیشرفت‌ها و آبادی عشق‌آباد^{۶۸} و ویرانی خراسان مجاور، هیأت حاکمه ایران مقصر آن ویرانیه‌ها معرفی شد. آن‌گاه روزنامه با اشاره به امتیازهایی که بیگانگان در ایران به‌دست آورده بودند، نوشت:

حقوق هیچ مملکت و ملتی بدین پایه رایگان فروخته نمی‌شود. آیا واسطه کار هیچ وجدان ندارد و پیش خود نمی‌اندیشد که این امتیازات متضمن حقوق عمومی است...؟ بدیهی‌ست که با این وضع مملکت اصلاح

نمی‌پذیرد بلکه روز به روز تباهی می‌گیرد. مگر دستی از غیب برون آید و کاری بکند.^{۷۷}

انتشار این مقاله موجب شد که باردیگر ناصرالدین‌شاه دستور منع ورود اختر را به داخل کشور بدهد. در شماره بعد - چند شماره پیش از ورود میجر تالبوت عامل امتیاز به ایران - اختر مقاله‌ای انتشار داد که در آن با اشاره به مصاحبه روزنامه با تالبوت، ضررهای امتیاز تنباکو گوشزد شد.^{۷۸} در این هنگام، دامنه نارضایی علیه این امتیاز در ایران گسترش بسیار یافته بود و مخالفان در شبنامه‌ها و اعلامیه‌ها و سخنان خود به ممنوعیت ورود اختر اشاره می‌کردند. دکتر فریدون آدمیت معتقد است که آن مقاله‌های اختر را میرزا آقاخان کرمانی نوشته است.^{۷۹}

روش نگارش و نوآوریهای اختر

اختر روزنامه‌ای خبری-سیاسی بود. در بخش عمده‌ای از حیاتش، صفحه نخست به چاپ سرمقاله‌ای زیر عنوان «سیاسی» - بدون عنوان فرعی - اختصاص داشت و در آن رویدادهای سیاسی جهان تفسیر می‌شد. در صفحه‌های ۲ و ۳ زیر عنوان «خبرهای تلگرافی» به خبرهای کوتاه داخلی و خارجی و خلاصه‌ای از ترجمه مطالب دیگر روزنامه‌های عثمانی یا روزنامه‌های اروپا می‌پرداختند. در صفحه آخر نرخ ارز زیر عنوان «صرافی» به چاپ می‌رسید. در کل، خبرها و گزارشهای مربوط به عثمانی بر دیگر مطالب می‌چربید.

اختر در کنار خبرها و مقاله‌های سیاسی و اجتماعی خود، مقاله‌ها و خبرهای بسیاری را نیز برای بالابردن سطح آگاهیهای خوانندگان خود منتشر ساخته است. این روزنامه، برای نخستین بار در یک نشریه فارسی، از وجود اولین روزنامه فارسی‌زبان ایران، یعنی کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی خبر داد و بخشی از آن را نقل کرد.^{۸۰} از مطالب جالب اختر سلسله مقاله‌هایی است که میرزا حبیب اصفهانی در سال ۱۳۰۵ ق زیر عنوان «غرائب عوائد ملل» می‌نوشت. این مقاله‌ها از کتاب غرائب احوال ملل اثر رفاعة بک مصری اقتباس شده بود و هر یک از آنها به یکی از هنرها یا دانشهای متداول در اروپا می‌پرداخت. از جمله دو مقاله پی‌درپی درباره «تماشا و تماشاخانه» را باید نخستین نوشته در این زمینه به زبان فارسی دانست.^{۸۱} میرزا آقاخان کرمانی هم سلسله مقاله‌ای زیر عنوان «آیین سخنوری» در اختر به چاپ رسانده است.^{۸۲}

قدیمترین سند چاپی به زبان فارسی درباره سوسیالیسم، به سال ۱۲۹۸ ق در اختر به چاپ رسید و شاید به سبب محتوای منفی آن نسبت به این مکتب بود که در روزنامه

رسمی ایران چاپ تهران نیز نقل شد.^{۸۳} پیداست که مقاله ترجمه‌ای از یک منبع غیرفارسی بوده است. در این مقاله آمده است: «گروه نهیلیست و سوسیالیست که در صحائف اخبار نوشته می‌شود طایفه [ای] هستند که روز به روز ترقی در رواج دادن مقاصد خودشان می‌نمایند و چنان که دیده می‌شود آنان از اهل (اباحه) هستند و آنان به قدر بیست سال می‌شود که در جمع اروپ منتشر شده‌اند... یک وقت در اثنای محاربه پروس و فرانسه، اصحاب این اعتقاد به نام کومونی و اترناسیونال شهرت یافته نزدیک بود که دولت فرانسه را محو و منقرض نمایند ولی طرفداران جمهوریّت بعد از اعلان حکومت جمهوریّه سعبیا و جانفشانیها نموده این آتش را خوابانیدند...»^{۸۴}

چنان که گفتیم به سال ۱۳۰۸ ق، پیش از آن که جرالّد تالبوت دارنده امتیاز انحصار تنباکو برای آغاز کار به ایران برود، اختر با او مصاحبه‌ای در اسلامبول انجام داد و به چاپ رسانید.^{۸۵} من تاکنون مصاحبه دیگری را که پیش از آن در یکی از روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ شده باشد ندیده‌ام و تصور می‌کنم امتیاز این نوآوری را باید به اختر داد.

گروهی از مخالفان اختر را طرفداران اتحاد اسلام تشکیل می‌دهند که مقاله تند آن روزنامه را علیه سید جمال‌الدین افغانی^{۸۶} از یاد نبردند. حال آن که، روزنامه چندی بعد هوادار سید جمال‌الدین و آرمان او شد. با این وصف، لحن مقاله مخالف سید — که عنوان آن «شیطان در لباس انسان» است — و برخی شواهد دیگر، این احتمال را قوی می‌کند که روزنامه به مخالفت دربار و دیوان ایران با او نیز توجه داشته است. اختر در مجموع، روزنامه‌ای هوادار اسلام بود و هیچ شماره‌ای از آن خالی از اشاره به این موضوع و حمایت از حقوق مسلمانان نیست.

در یک دو سال آخر پادشاهی ناصرالدین شاه و واپسین سال انتشار روزنامه که با سال نخست پادشاهی مظفرالدین شاه همزمان بود، با اختری روبرو هستیم که از نگاه محتوا فقیرتر از سالهای پیش از آن است. در این هنگام، روزنامه از پرده‌دریها و روشنگریها دست شسته بود و محافظه‌کارانه، خبرهای داخلی امپراتوری عثمانی، پاره‌ای از خبرهای رسمی ایران یا ترجمه مطالب روزنامه‌های ترک و روسی و انگلیسی و فرانسوی را درباره کشورهای مسلمان به کوتاهی و ایجاز چاپ می‌کرد و در کنار این گونه مطالب از برخی مطالب آموزنده درباره اختراع دستگاهی یا کشف ماده‌ای یا طریقه نگهداری جنگلها و پرورش کرم ابریشم... نیز غافل نبود. هم از این روست که دیگر دستگاههای ایرانی و روسی با آن سر ستیز نداشتند ولی به سبب فراوانی مطالب مربوط به عثمانی، گهگداری

روزنامه با دستگاه سانسور ترک مواجه می‌شد.

سوی سالهای نخست و آنچه صاحب‌قلمانی همچون میرزا نجفعلی‌خان و میرزا حبیب‌دستان و میرزا آقاخان کرمانی نوشته‌اند، زبان روزنامه زیر تأثیر ترکی عثمانی بود و می‌دانیم که آن زبان به‌نوبه خود تا چه حد وامدار عربی شده بود. یعنی به‌جای گذشته که واژه‌های موردنیاز را از فارسی تأمین می‌کردند، حال به‌عربی توجه نشان می‌دادند. در سالهای آخر، با نبودن اهل دانش در هیأت تحریری اختر و توجه شدید روزنامه به‌رویدادها و مسایل محل انتشار، تأثیر ترکی عثمانی بر نشر اختر به‌نحو محسوسی افزایش یافت: «اراده سینه» به‌جای فرمان شاهانه، «قوماندانی» به‌جای کوماندانی یا فرماندهی، «مداکشغار» به‌جای ماداگاسکار، «سیفار» به‌جای سیگار، «غولوا» به‌جای گلها،^{۸۷} «تداویخانه» به‌جای بیمارستان یا مریضخانه...

ویژگیهای فنی و اداری اختر

سرلوحه اختر ساده و مرکب از نام آن به‌خط نستعلیق بود که زیر آن سال تأسیس (۱۲۹۲) و نام روزنامه با تلفظ ترکی عثمانی به‌فرانسه (L'AKHTER)، در سمت راست محل چاپ و تاریخ و در سمت چپ بهای روزنامه چاپ شده است. نام اختر در سالهای نخست به‌صورت ساده و از شماره هجدهم سال شانزدهم به‌گونه اصل و برگردان (معکوس) به‌چاپ می‌رسید. شماره‌گذاری صفحه‌ها از ابتدای هر سال شروع می‌شد و به‌آخرین صفحه آخرین شماره همان سال ختم می‌گردید.

اختر تصویر نداشت. روزنامه در دوره‌ای طولانی در ۴ تا هشت صفحه با چاپ حروفی (سربی) انتشار می‌یافت اما این که بسیاری از منابع این روزنامه را اولین روزنامه فارسی با چاپ حروفی نوشته‌اند خطاست. زیرا پیشتر دو نشریه فارسی چاپ کلکته و شماره‌هایی از ایران در سال ۱۲۹۱ق به‌آن طریق چاپ شده بودند. قطع نخستین اختر ۳۴×۴۷ سانتیمتر، در سال دوم ۴۱/۵۰ × ۲۸/۵۰ در سه ستون و از سال هجدهم به‌بعد ۲۰×۲۸ در دو ستون و ۱۶ صفحه بود.

اختر در چاپخانه‌ای انتشار می‌یافت که میرزا محمدطاهر تبریزی پیش از نشر روزنامه تأسیس کرده بود. در این چاپخانه، علاوه بر اختر کتابهای بسیاری نیز به‌زبان فارسی چاپ شده است. اگرچه در آن کتابها و در روزنامه، نام چاپخانه را «اختر» نوشته‌اند، در واقع، این چاپخانه و فعالیت‌های انتشاراتی آن زیر نام شرکتی سهامی به‌نام «شرکت طباعت ایرانیه» انجام می‌گرفت. شرکت در اول سال ۱۳۱۲ق پس از بیست و پنج سال فعالیت منحل شد و محمدطاهر «مؤسس و مدیر» و حاج عباس ایروانی «تحویلدار» آن،

صاحبان سهام را - که برخی‌شان از اتباع عثمانی بودند - در مورد تسویه حسابهای شرکت مطلع ساختند.^{۸۸} اما چاپخانه تا پایان انتشار روزنامه و چند سالی پس از آن، به نام چاپخانه «اختر» بر جا ماند.^{۸۹} اداره «اختر» همواره در محله «خان والده» بوده است و آن محله، محل سکونت و تجمع اصلی ایرانیان مقیم اسلامبول به‌شمار می‌رفت.

روزنامه اختر در اسلامبول ابتدا یک غروش و از سال سوم شصت پاره تکفروشی می‌شد. اشتراک سالانه در همان شهر ۴ و در دیگر ممالک عثمانی ۵ مجیدی، در ایران ۲۵ قران، در هندوستان ۱۲ روپیه، در روسیه و قفقاز ده منات (روبل) و در اروپا برابر با ۲۵ فرانک فرانسه بود. بهای اشتراک در سالهای آخر، یعنی سالهای بیست و دوم بیست و سوم آن تغییری نکرد مگر در مورد ایران که از ۲۵ قران به ۳۵ قران رسید و این، چنان‌که ذکر خواهد شد، به سبب کاهش ارزش پول ایران در برابر ارزهای خارجی بوده است.

اختر همواره با دشواریهای مالی دست به‌گریبان بوده است. ضمن تاریخچه روزنامه از نابسامانی کارش و یاری مالی وزیر خارجه ایران و سفیر مقیم باب‌عالی سخن گفتیم. علاوه بر این چندین بار مقامهای ترک اختر را توقیف کردند و بارها ورودش به ایران ممنوع شد و هر بار زبانی مالی بر روزنامه وارد آمد. در سال بیست و یکم (برابر با ۱۳۱۲ق)، نیز «به‌علاوه خسارتی که از زلزله به‌مطبعه وارد آمد، به سبب تنزل قیمت مسکوکات نقره ممالک محروسه ایران نیز ضرر فراوان به‌اداره رسید [و] از مداخل روزنامه نصف به‌نصف کاست».^{۹۰}

دشواری دائمی دیگر، بدحسابی مشترکان بود. در اولین سرمقاله سال بیست و یکم از مشترکان عثمانی و هند و قفقاز تقدیر شده و آمده است که: «بالعکس، از مشترکین محترم ممالک محروسه ایران در بعض نقاط، اداره یک‌ساله بلکه هجده ماهه طلبکار است و سبب عمده این معنی نیز مسامحه و کلای محترم است. و گرفته مشترکین گرامی باور نداریم که در ادای این مبلغ جزئی تا این پایه ایستادگی نمایند». شبیه همین سخن، در سرمقاله شماره نخست سال بیست و دوم نیز آمده است.^{۹۱}

ژنو

پانوشتها:

۱ - سی و چهار سال بعد هم سروش اسلامبول، «یگانگی عادات و آداب، قرب جوار، مشابهت ادبیات و نزدیکی زبان» میان دو کشور را، دلایل چاپ نشریه‌ای فارسی در پایتخت عثمانی دانسته است (سروش‌ش، ۱، دوازدهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق).

- ۲ - محمد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بهت، تهران ۱۳۶۰ خ، ص ۳۸.
- ۳ - سعید نفیسی، «نخستین چاپهای مصور در ایران»، راهنمای کتاب، ش ۳ (بایز ۱۳۳۷)، ص ۲۳۲.
- ۴ - محمد امین ریاحی، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، امیرکبیر ۱۳۵۰، ص ۲۶.
- ۵ - فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، خوارزمی ۱۳۵۱، ص ۳۹۸.
- ۶ - احمد خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، چاپ دوم، انتشارات بابک، تهران ۱۳۵۴ خ، ص ۲۰۵.
- ۷ - اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، ص ۳۹۸.
- ۸ - ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۶۳، جلد ۱، ص ۵۷۲-۵۷۳.
- ۹ - ابراهیم صفایی، اسناد نوظفته، انتشارات بابک، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۱۹: تلگراف رمز ملکم از لندن، مورخ ۲۱ رجب ۱۲۹۷ ق.
- ۱۰ - این کتاب در تهران تجدید چاپ شده است: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳ خ.
- ۱۱ - نامه میرزا آقاخان به ملکم مورخ ۲۷ رمضان ۱۳۱۰ ق موجود در مجموعه اسناد ملکم (کتابخانه ملی پاریس، سند ش ۶۸).
- ۱۲ - Orhan Koloğlu, "Un Journal Persan d'Istanbul: Akhtar," in *Les Iraniens d'Istanbul*, IFEA/IFRI, Istanbul et Téhéran 1993, p: 139.
- ۱۳ - ادوارد براون [و محمدعلی تربیت] تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، انتشارات معرفت، تهران ۱۳۳۷ خ، ردیف ۲۱۵ (ص ۱۰۶ و ۱۰۷ متن انگلیسی).
- ۱۴ - «اختریان» عنوانی است که در خود روزنامه به دست‌اندرکاران آن داده می‌شد.
- ۱۵ - در اثر زیر، تاریخ اولین شماره، اول ذیحجه ذکر شده که نادرست است.
- Hamid Algar, *Mirza Malkum Khan*, University of California Press, 1973, p.186.
- ۱۶ - تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران...، ردیف ۳۴ (ص ۳۷ متن انگلیسی) و به تقلید از آن تمامی محققان بعدی.
- ۱۷ - "Un journal persan d'Istanbul," p.138.
- ۱۸ - اختر، ش ۱، سال ۱۱، ص ۱.
- ۱۹ - ایران، در سال نخست انتشار (۱۲۸۸ ق) هفته‌ای سه شماره چاپ می‌شد.
- ۲۰ - اختر، ش ۶۱، سال دوم، مورخ ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۳.
- ۲۱ - از جمله: منتخباتی از مجموعه بیانات شیبانی، رباعیات مولانا، سفینه طالبی یا کتاب احمد، بندنامه قصر...
۲۲ - موجود در کتابخانه ملی پاریس.
- ۲۳ - درباره او، علاوه بر مراجع روزنامه‌اختر نگاه کنید به:
- Revue Du Monde Musulman*, vol.IV (1908), p. 539.
- ۲۴ - چنان‌که تربیت و براون در تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران...، (ص ۱۴۶، ج ۱) این کار را کردند و دیگران به نقل آن پرداختند.
- ۲۵ - تاریخ جراید و مجلات ایران، ردیف ۴۶؛ حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تهران ۱۳۵۸، ص ۹۵.
- ۲۶ - درباره او نگاه کنید به مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷، ج ۶، ص ۲۸۱۲۸۰.
- ۲۷ - محسن خان معین‌الملک (حدود ۱۲۳۵ ق - ۱۳۱۷ ق) بیشتر به مشیرالدوله معروف است. وی همواره مقامهای

- مهم در وزارت امور خارجه داشته است. در رجب ۱۳۰۹ قیامت به مشیزالدوله شد و به وزارت عدلیه و وزارت تجارت رسید. وی در جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ وزیر امور خارجه شد و این سمت را تا پایان عمر حفظ کرد.
- ۲۸ - احمد خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ص ۲۰۵.
- ۲۹ - احمدعلی وزیر، تاریخ کرمان، به کوشش دکتر محمد ابراهیم باستانی یاریزی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴، ص ۸۵۶ (حاشیه).
- ۳۰ - این که فریدون آدمیت نوشته است این همکاری «چند سالی ادامه یافت» اغراق آمیز است: اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۲۳.
- ۳۱ - نامه میرزا آقاخان به میرزا ملکم‌خان، یاد شده.
- ۳۲ - اختر، ش ۱۲، سال بیستم، بیست و دوم ربیع‌الاول ۱۳۱۱ ق.
- A.K.S. Lambton, "Kādjar," *Ency. de L'Islam* (Nouvelle Edition), vol. IV, p. 415. - ۳۳
- ۳۴ - درباره او نگاه کنید به: ایرج افشار، مواد و بیاض، کتابفروشی دهخدا، تهران، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۵۶ به بعد.
- ۳۵ - صدر وائقی، سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، انتشارات پیام، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۷۷ محمد محیط طباطبایی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق‌زمین، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱.
- ۳۶ - یادبودهای سفارت استانبول، ص ۲۰۵.
- ۳۷ - هنان، ص ۲۰۶.
- ۳۸ - گزارش‌های میرزا ملکم‌خان، بررسی‌های تاریخی، ش ۱، سال ششم (۱۳۵۰)، ص ۲۹۳، نامه مورخ ۲۷ ذیحجه ۱۲۹۵.
- ۳۹ - ساندیشه ترفی و حکومت قانون، ص ۴۰۸.
- ۴۰ - گوئل کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱.
- ۴۱ - قانون، ش ۳، ص ۲.
- ۴۲ - قانون، ش ۱۴، ص ۴.
- ۴۳ - از جمله: اطلاع چاپ تهران و فرهنگ چاپ اصفهان.
- ۴۴ - از جمله: سیدالانبار چاپ حیدرآباد دکن، و کوکب ناصری چاپ بمبئی.
- ۴۵ - «باید الفاظی در روزنامه و غیره که موهم خلاف این مقصود [یک جهتی و اتحاد دولت] باشد به هیچ وجه مندرج نشود...». روزنامه دولت علیه ایران، ش ۷۵۰، (پانزدهم ذیحجه ۱۲۸۱)؛ گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ج ۳، ص ۵۲۵ (سند ۵۳۲).
- ۴۶ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰ (مورخ پانزدهم و هفدهم شوال ۱۳۱۰).
- ۴۷ - پاسخ منفی صدراعظم به درخواست محمدطاهر در کتاب زیر آمده است: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۵۰۹ (سند ۵۲۷ مورخ ۱۷ شعبان ۱۳۱۰).
- ۴۸ - اختر، ش ۸، سال ۲۳، ص ۱۱۵ و ۱۱۶ مسلسل (۲۴ صفر ۱۳۱۴ = چهارم اوت ۱۸۹۶).
- ۴۹ - جیل‌المتین، سال دوم، ش ۱.

۵۰ - یادبودهای سفارت استانبول، ص ۲۰۵.

۵۱ - همان، ص ۲۰۶.

۵۲ - همان، ص ۲۰۷.

۵۳ - *Un journal persan d'Istanbul*, p. 135.

۵۴ - *Johann Strauss, Les livres et l'imprimerie a Istanbul (1800-1908), in Turquie: livres d'hier et d'aujourd'hui, Université des Sciences Humaines de Strasbourg et les Editions Isis, Stanbul 1992, p.23.*

دریارة سانسور ترک نگاه کنید به کتاب ترکی زیر:

Cevdet Kudret, Abdülhamide devrinde Samsur, Istanbul 1977.

۵۵ - نامه میرزا آقاخان به میرزا ملکم خان، موجود در کتابخانه ملی پاریس، بدون تاریخ (حدود ۱۳۰۸ ق).

۵۶ - نامه دیگر، نوشته شده حدود ۱۳۱۰ ق (همان مجموعه).

۵۷ - نامه دیگر، مورخ ۲۷ رمضان ۱۳۱۰ (همان مجموعه).

۵۸ - در چهار نامه مختلف از همان مجموعه. هیچ کدام از نامه‌ها تاریخ ندارند اما پیداست که در فاصله سالهای

۱۲۹۵ و ۱۳۱۱ ق نوشته شده‌اند.

۵۹ - ایرج افشار، قبالة تاریخ، انتشارات طلا، تهران ۱۳۶۸ (۲۴). این سند و نشانه‌های دیگر که از آنها یاد

شده و می‌شود نقص آرشیه‌های عثمانی را نشان می‌دهد که محقق ترک اورهان کول‌اوغلو در آنها هیچ نشانه‌ای از توقیف

اختر یافته است: *"Un journal persan d'Istanbul," p.135.*

۶۰ - اختر، ش ۹، سال بیست و سوم، مورخ ۲۳ ربیع الاول ۱۳۱۴ (سوم سپتامبر ۱۸۹۶)، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۶۱ - به نقل از اندیشه ترقی و حکومت قانون، ص ۴۰۸-۴۰۹.

۶۲ - یادداشت روزانه کلنل Yate مورخ هشتم اوت ۱۸۹۴ به نقل از: نیکی کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه

شاهرخ قائم مقامی، کتابهای جیبی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۸، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ در همین زمینه: ارزنت اورسل، سفرنامه

اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۶۳ - ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه دکتر بهرام مقدادی، انتشارات

مروارید، تهران، ۱۳۶۹، ص ۴۱۲.

۶۴ - تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۱، ص ۱۴۶ (مقدمه تربیت).

۶۵ - احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۴، ص ۱۸-۱۹؛ در همین زمینه: از صبا

تا فیما، ج ۱، ص ۲۵۰.

۶۶ - اندیشه ترقی و حکومت قانون، ص ۴۰۸.

۶۷ - نصرت‌الله فتحی، سخنگویان سه گانه آذربایجان در انقلاب مشروطیت، تهران ۱۳۵۶، ص ۱۳۵.

۶۸ - تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۱، ص ۱۴۶ (مقدمه تربیت).

۶۹ - *"Un journal persan d'Istanbul," p.133.*

۷۰ - این دستخط (مورخ ۱۷ ذیحجه ۱۲۹۳ ق)، جانشین اقدامهای ناکام قبلی - همچون «تنظیمات» - و مکمل

«خط گلخانه» شد.

۷۱ - اختر، نهم محرم ۱۲۹۴.

- ۷۲ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، چهارشنبه بیست و سوم جمادی الثانی ۱۲۹۹.
- ۷۳ - ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ چهارم، نوین- آگام، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۱؛ همچنین نگاه کنید به: روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، مورخ ۱۲ ذیقعدة ۱۲۹۹.
- ۷۴ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، جمعه سوم ذیقعدة ۱۳۰۲.
- ۷۵ - اختر، ش ۱۳، سال ۱۷، مورخ ۲۷ ربیع الاول ۱۳۰۸.
- ۷۶ - از شهرهای خراسان بزرگ که امروز پایتخت جمهوری ترکمنستان است.
- ۷۷ - اختر، ش ۲۲، سال هفدهم، مورخ سهشنبه دوم جمادی الآخر ۱۳۰۸.
- ۷۸ - اختر، ش ۲۳، سال هفدهم، مورخ نهم جمادی الآخر ۱۳۰۸.
- ۷۹ - فریدون آدمیت، شورش بر امتیازنامه رزی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۰-۱۱.
- ۸۰ - اختر، ش ۲۲، مورخ نوزدهم محرم ۱۲۹۳ق.
- ۸۱ - اختر، شماره‌های ۴۴ و ۴۵ سال ۱۳۰۵ق.
- ۸۲ - از شماره سی و هفتم سال پانزدهم تا شماره یازدهم سال شانزدهم.
- ۸۳ - ایران، ش ۴۱۲، مورخ پنجم ربیع الثانی ۱۲۹۸ق.
- ۸۴ - به نقل از ایران، ش ۴۱۲، یاد شده.
- ۸۵ - اختر، ش ۲۳، سال هفدهم، مورخ نهم جمادی الآخر ۱۳۰۸ق.
- ۸۶ - اختر، ش ۱۶، سال هجدهم، مورخ بیست و هفتم جمادی الاول ۱۳۰۹.
- ۸۷ - Gaulois منسوب به Gaul (فرانسه کهن).
- ۸۸ - اختر، ش ۱، سال ۲۲ (محرم ۱۳۱۲).
- ۸۹ - در سالنامه نظارت معارف عمومی (اسلامبول ۱۳۱۷ق = ۱۸۹۹م) آمده که این چاپخانه به چاپ ترکی و ارمنی و یونانی و فرانسه می پرداخته (ص ۸۵۶) و ذکری از انتشارات فارسی آن نکرده است.
- ۹۰ - اختر، ش یکم، سال بیست و یکم.
- ۹۱ - علاوه بر منابعی که از آنها یاد شد، درباره اختر نگاه کنید به:
- Anja Pistor-Hatam, "The Persian newspaper Akhtar as a Transmitter of Ottoman Political idea," in *Les Iraniens d'Istanbul* (ed. T. zarcone, F. zarinebaf-Shahri), IFE/IFRI, Istanbul-Teheran, 1993, pp. 141-147.
- خانم پیستور حاتم بررسیهای گسترده‌ای درباره اختر کرده است که امیدوارم به صورت کتاب منتشر شود.